

فرارسیدن نوروز باستانی و سال ۱۴۰۳ را تبریک می‌گوییم

پیام پاییز

دوهفته‌نامه داخلی شرکت پارس‌تابلو PTGC

- سال اول
- شماره سوم
- نیمه دوم اسفند ۱۴۰۲
- توزیع رایگان
- انتشار روی وبسایت

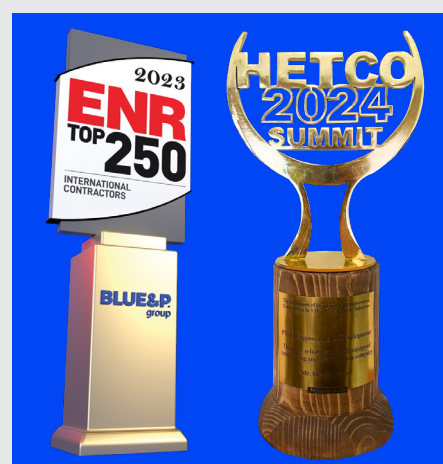
شماره ۳

سال ۱۴۰۲ برای شرکت پارس‌تابلو چگونه سالی بود؟

در مسیر پیشرفت و کسب افتخار

نگاهی گذرا به سالی که گذشت، نشان می‌دهد ۱۴۰۲ برای پارس‌تابلو مملو از موفقیت در عرصه‌های پیمانکاری، رویدادهای ملی و سازمانی بوده است:

- حضور مجدد در لیست ۲۵۰ پیمانکار برتر بین‌المللی با پیشرفت به رتبه ۱۲۳ • کسب رتبه ۱۲۴ امین شرکت برتر ایران به ارزیابی سازمان مدیریت صنعتی • دریافت تندیس برترین شرکت پیمانکاری و انبوه‌سازی سال در اجلاس HETCO 2024 • ابرلاغ قرارداد پروژه ملی آزادراه پردیس-هراز
- افتتاح اولین فاز نیروگاه خورشیدی ۴۰ مگاواتی مجتمع گل‌گهر • امضای قرارداد فاینانس با کشور ارمنستان - رکوردزنی‌های بتن‌ریزی روزانه و شبانه در پروژه‌های ملی انبوه‌سازی مسکن • تکمیل طرح زیپ‌لاین و روشنایی دهکده گردشگری گوهرپارک سیرجان و... فقط بخشی از این دستاوردهاست.



یاران و همراهان عزیز، سلام!

یک سال است که وارد خانواده بزرگ بلواندپی شده‌ام و این موضوع برایم مایه مباهات است. روز مصاحبه‌ام نام بزرگ‌مردی را به نیکی شنیدم؛ جناب آقای مهندس محمد پارسا.

در طول یک سال گذشته، صورت مهربان ایشان را فقط در قلاب عکسی دیده‌ام؛ اما حضورشان با همان وقار و لیخنند همیشگی سبب برکت و استمرار تلاش دسته‌جمعی‌مان برای آبادانی ایران عزیز بوده و است.

به همراه همکاران خوش‌خلق و پرتلاش در واحد روابط عمومی پارس‌تابلو پرافتخار تمام هم‌وغم ما در سالی که گذشت این بود که هرکدام به نحوی از دانش و تجربه‌مان نهایت استفاده را ببریم و محتوای مفید و در خور تحسینی را برای خانواده بزرگ بلواندپی فراهم کنیم. پوشش دادن خبر موفقیت‌های پارس‌تابلو و منعکس کردن آن‌ها در فضای دیجیتال و شرکت در نمایشگاه‌های مختلف عمرانی را با جان و دل انجام دادیم تا آینه شفاف و بی‌غباری باشیم برای نشان دادن تکاپوی مداوم این شرکت سربلند.

پارس‌تابلو خانه ماست؛ خانه‌ای که همگی تلاش می‌کنیم هر روز بسامان‌تر و موفق‌تر از پیش باشد و موفقیت‌هایش را با حضور همیشگی زنده‌نام مهندس محمد پارسا و هدایت کم‌نظیر جناب آقای مهندس پویا پارسا جشن بگیریم.

در آستانه آغاز سال نو خورشیدی و مقارن با بهار دل‌ها، ماه مبارک رمضان، برای ایران زیبا سربلندی و سرسبزی و برای خانواده گرانقدر بلواندپی موفقیت‌های بی‌شمار آرزو مند.

بهاران پر از گل و نور!

نوروز و هفت‌سین ایرانی

یادداشت مهمان
میلا ددقتان



با عنوان رسمی «روز بین‌المللی نوروز»، توسط یونسکو به‌عنوان میراث فرهنگی و معنوی بشر به ثبت جهانی رسیده است. یکی از آیین‌های مهم و اصلی نوروزی، گستردن سفره هفت‌سین است. این رسم کهن در گذر سالیان بسیار، تغییراتی داشته است. دکتر ناصر انقطاع استاد ادبیات و زبان پارسی معتقد است که «هفت‌سین»‌ها باید دارای پنج ویژگی زیر باشند.

۱. نام آن‌ها پارسی باشد
۲. با بندواژه (حرف) سین آغاز شده باشد
۳. ریشه گیاهی داشته باشد
۴. خوردنی باشد
۵. نام آن‌ها از واژه‌های ترکیبی (مانند سبزی‌پلو، سیرترشی، سیب‌زمینی و مانند آن‌ها) ساخته نشده باشد.

با نگرش به پنج ویژگی بالا، می‌بینیم که «سیب، سیر، سماغ*، سرکه، سمنو، سبزی (یا سبزه) و سنجد» همه دارای این پنج ویژگی هستند و در میان انبوه واژه‌های پارسی نمی‌توان هشتمی را برای هفت‌سین نوروزی پیدا کرد که دارای این پنج ویژگی باشند! بر این اساس، سنبل و سکه، که امروز برخی بر سفره می‌گذارند، نه خوراکی هستند و نه نام آن‌ها پارسی است.

یکی از کهن‌ترین اسناد ادبیات فارسی که در آن به «هفت سین» اشاره شده، دیوان بهاءالدین خجندی، شاعر دربار تیمور لنگ در قرن هشتم قمری، است که البته در آن از

۲. سبزه: فرشته اردی بهشت نماد آب‌های پاک
۳. سیب: فرشته سپندارمَز (فرشته زن) نماد بارداری و پرستاری
۴. سنجد: فرشته خورداد نماد دلبستگی
۵. سرکه: فرشته امداد نماد جاودانگی
۶. سمنو: فرشته شهرپور نماد خواربار
۷. سماغ: فرشته بهمن نماد باران

در سال‌های اخیر مطلب نادرستی در فضای مجازی دست به دست می‌شود مبنی بر اینکه هفت‌سین ابتدا «هفت شین» شامل شربت، شمشاد، شمع، شهد، شراب و بوده است. این مطلب پایه و اساس تاریخی ندارد؛ زیرا این واژگان پارسی نیستند. برای نمونه، شراب واژه عربی است و ایرانیان به آن «می» می‌گفتند. شربت نیز به معنای نوشیدنی است و پیش از ورود اعراب و اسلام در ایران چنین واژه‌ای در زبان ایرانیان رواج نداشت. برخی از پژوهشگران بر این باورند که سین‌های هفت‌سین شامل موارد دیگری نیز می‌شود. آنچه مشخص است این است که در سده‌های اخیر به‌جز هفت‌سین اصلی، موارد دیگری نیز چون ماهی قرمز به این سفره افزوده شده است.

در پایان، باید افزود که هر یک از سین‌های هفت سین، نماد یکی از هفت آت‌فرشته آیین زرتشت است.

۱. سیر: نماد اهورامزدا

قند پارسی
سحر شوموسی

اگر قرار باشد قند پارسی را بچشمیم، بی‌تردید سرچشمه این شیرینی به شاهنامه برمی‌گردد. در شاهنامه ۳۳ بار واژه نوروز و چند بار دیگر به صورت «سر سال نو» و «ماه فروردین/فرودین»، که منظور همان نوروز است، دیده می‌شود. فلسفه پدید آمدن این جشن در خلال داستان بر تخت نشستن جمشید آمده است.



آیین شادمانه نوروز یادگار گذشتگان نیک‌اندیش ماست. هویت هر ملتی با آیین‌های ویژه آن ملت تعریف می‌شود و زبان آن مردمان ضامن بقا و دوام آن آیین و فرهنگ آن سرزمین است. قند پارسی هزاران سال است که به هرجای جهان پا نهاده، شادی و سرزندگی نوروز را هم با خود به همراه برده است.

با آرزوی سربلندی ایران عزیز و بالندگی همیشگی قند پارسی، فرا رسیدن نوروز را به شما همکاران گرانقدر و همه ایرانیان و فارسی‌زبانان جهان تبریک می‌گوییم.

همه‌ساله بخت تو پیروز باد
همه روزگار تو نوروز باد

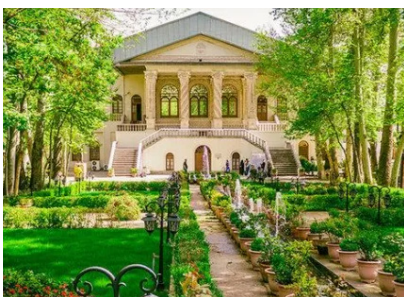
تعطیلات

| راهنمای تهران‌گردی در نوروز ۱۴۰۳ |



مجموعه کاخ سعدآباد تهران

ساعت بازدید: ۶ ماه اول سال: هرروز از ساعت ۹ تا ۱۹؛ فروش بلیط تا ساعت ۱۷



باغ فردوس و موزه سینما

ساعت بازدید: تالارها هرروز از ساعت ۹ تا ۱۹ و سایر بخش‌ها از ساعت ۹ تا ۲۴



باغ پرندگان تهران

ساعت بازدید: هرروز از ساعت ۹ تا ۱۸:۳۰

آداب نوروز در طهران قدیم

در طهران تقریباً تمام کارهای مربوط به عید، توسط اعضای خانواده انجام می‌شد. در بیشتر مواقع همه اعضای یک خانواده در یک خانه زندگی می‌کردند و پیش از عید دست به دست هم می‌دادند، به خیاطی، خانه‌تکانی، خرید و پخت‌وپز می‌پرداختند، باغچه را صفا می‌دادند و گل‌کاری می‌کردند و خلاصه، با آغاز سال نو، همه با احساس رضایت از نتیجه کوشش‌های خود پذیرای میهمانان می‌شدند و خود نیز به دیدار فامیل می‌رفتند.

عید نوروز برای کودکان از حال‌وهوایی استثنایی برخوردار بود؛ اکثر آنان تنها در همین زمان صاحب یک دست لباس نو می‌شدند و شاید یکی دو اسکناس تانخورده عیدی می‌گرفتند و برای آن هزار تا نقشه می‌کشیدند. ناگفته نماند که در بیشتر موارد این اسکناس‌ها به جیب والدین می‌رفت و خرج گوشه‌ای از اجاره خانه یا یک مورد ضروری دیگری می‌شد که آن را به بعد موکول کرده بودند؛ زیرا در این روزها هیچ کس از خرج کردن پول کم نمی‌گذاشت و ضرب‌المثل «چو فردا شود فکر فردا کنیم» در این مواقع خیلی صدق می‌کرد! اما تمام این‌ها چیزی از لذت عیدی کم نمی‌کرد و بچه‌هایی هم که می‌دانستند قرار است عیدی نقد آن‌ها به مصارف دیگر برسد، با این فکر که کمک‌خرج پدر و مادر خود شده‌اند به خود دلگرمی می‌دادند و حتی بادی به غیغب می‌انداختند و احساس بزرگی می‌کردند.

پیشواز نوروز؛ رخت نو: از آغاز ماه اسفند کم‌کم اندیشه عید نوروز موجب شادی اغنیا و نگرانی فقرا می‌شد و در این میان، اوضاع کسبه بازار از همه بهتر بود و فصل رونق بازار فرا رسیده بود. اولین کار، که زمان و دقت



بیشتری لازم داشت، تهیه رخت و لباس نو بود. البسه

کودکان معمولاً از رنگ‌های شاد و زنده تهیه می‌شد که معمولاً توسط خانم‌های خانه دوخته می‌شد و کفش و کلاه تنها مواردی بودند که از بازار خریداری می‌شدند. خانم و آقا هم (در خانواده‌های متوسط) معمولاً به نو کردن چند تکه اصلی لباس خود، که شامل چادر مشکی و چادر نماز، کفش و عبا بود، می‌پرداختند و در صورت امکان البسه دیگر را شسته و رفو می‌کردند، یقه‌ها را آهار می‌زدند و خلاصه، برای سال نو، نونوار می‌شدند.

خانه‌تکانی: هرچند که تهیه لباس نو در بعضی از خانواده‌های بی‌بضاعت انجام نمی‌شد؛ ولی رسم



خانه‌تکانی فقیر و غنی نمی‌شناخت و برای انجام شدن آن، تمام وسایل خانه باید بیرون می‌ریختند، تمام خانه را می‌شستند، جارو و گردگیری می‌کردند و بعد تمام اسباب خانه را پس از تمیز شدن به داخل خانه می‌بردند و می‌چیدند. در همین خانه‌تکانی‌ها، دو کار مهم انجام می‌گرفت؛ یکی، دل‌کندن از لوازم و اسباب کهنه و شکسته بود که پس از چند سال کار کردن و تعمیر شدن، دیگر نفس‌های آخر را می‌کشید و تنها به درد دور انداختن می‌خورد. دومی، تغییر و تحول شکل چیدن اثاث منزل بود که با بیرون ریختن و دوباره چیدن، شکل تازه‌ای به خانه می‌داد و موجب تنوع می‌شد. خانه‌تکانی در آن روزها وقت بسیاری می‌گرفت؛ زیرا از تکاندن فرش و گلیم و قالی شروع می‌شد و با صیقل دادن لوازم فلزی، شستن پارچه‌های (ملافه و پرده، روتشکی و پشتی‌ها و...)، شستن در و پنجره‌ها و ظروف و دوده‌گیری از اتاق‌ها به پایان می‌رسید و بعد، همه چیز باید دوباره چیده می‌شد تا سال بعد که روز از نو، روزی از نو.

خوردنی‌های شب عید: در طهران چند خوراکی

مخصوص ایام عید آماده می‌شد؛ ازجمله:

۱. **سبزی‌پلو:** یک شب مانده به تحویل سال، زمان خوردن سبزی‌پلو با کوکوی سبزی، سیر تازه و ماهی فرامی‌رسید. عقیده به پلوی سبزی‌دار این بود که می‌گفتند خوردن آن دل را زنده، احشا را تازه، بدن را رطوبت مفید می‌بخشد و روح تازه به تن می‌دمد. با توجه به اینکه در طهران سبزی تازه هنوز نرسیده بود و وسایل تندرو برای رساندن ماهی تازه به طهران موجود نبود، بیشتر تهرانی‌ها از سبزی خشک و ماهی دودی استفاده می‌کردند. سبزی تازه در گلخانه‌ها عمل می‌آمد و به قیمت گزافی فروخته می‌شد و تازه‌به‌دوران‌رسیده‌ها برای آنکه نشان بدهند سبزی و ماهی تازه استفاده کرده‌اند، آشغال سبزی و کله ماهی را کنار در خانه خود می‌گذاشتند. از طرفی، بسیاری از افراد خیر در این شب به یاری مستمندان می‌شتافتند و با بردن برنج، روغن، ماهی و تخم‌مرغ به در خانه آن‌ها، دل‌شان را شاد می‌کردند.

۲. **رشته‌پلو:** شب سال نو؛ یعنی شب تحویل سال، وقت خوردن رشته پلو بود که خوردن آن آدابی داشت. رشته‌پلو که با رشته پلویی و همراه با خرما و کشمش سرخ‌شده آماده می‌شود، غذایی است که از نظر مردم طهران نه تنها پرقوت و گرم‌کننده مزاج به شمار می‌آمد؛ بلکه خوردن آن موجب می‌شد که «سررشته کار» تا آخر سال در دست‌شان باشد.

چراغ‌های شب عید: از اعتقادات دیگر شب سال نو این بود که باید شعله و نور در خانه زیاد باشد که شامل اجاق یا منقل و چراغ‌ها بود که باید تا صبح روز دوم سال روشن نگه داشته می‌شد و باید طوری بادقت نفت‌گیری می‌شد که دود نکند و خاموش نشود. از طرفی، شیوه سوختن این چراغ‌ها، خود تعبیر و تفسیری داشت که شنیدن آن خالی از لطف نیست. اگر چراغ‌ها از ابتدا تا انتها روشن و سالم باقی مانده بود، سالی پربرکت با دلخوشی و تندرستی در انتظار اهل خانه بود؛ اگر لوله چراغ‌ها دودزده می‌شد یا شمع درون آن‌ها به یک سو می‌افتاد، تاریکی و کدورت در زندگی رخنه می‌کرد؛ اگر خاموش می‌شد، مالی از دست‌شان می‌رفت یا امیدی به نامیدی مبدل می‌شد و بدتر از همه اینکه، اگر لوله چراغ می‌شکست یا چراغ واژگون می‌شد، به معنای درگذشت کسی از نزدیکان یا زیبرو شدن زندگی اهل خانه بود.

منبع: مجموعه «طهران قدیم»؛ تألیف جعفر شهری

کمال‌الملک و تصویری
گیرا از سنت‌های نوروز

••• سحر شوموسی

در آستانه نوروز، به سراغ فیلمی می‌رویم که سکانس تحویل سال آن یکی از ماندگارترین سکانس‌های تاریخ سینمای ایران است. به نظر بسیاری از کارشناسان سینما این فیلم از شاخص‌ترین آثار سینمای ایران است که آداب و رسوم تحویل سال را به درستی به تصویر کشیده است.

فیلم سینمایی کمال‌الملک به کارگردانی علی حاتمی در سال ۱۳۶۳ ساخته شد. در سکانس فوق‌العاده هوشمندانه تحویل سال این فیلم، علی حاتمی همه چیز را با دقت و ریزبینی روایت می‌کند؛ تعداد زیادی از بزرگ‌ترین بازیگران سینمای ایران حضور دارند؛ ناصرالدین‌شاه (با بازی عزت‌الله انتظامی) روی صندلی سلطنت نشسته و قرآنی در دست

دارد، روبه‌روی او امام جمعه تهران (با بازی منوچهر حامدی) نشسته و مشغول خواندن دعای تحویل سال است و شاه پس از او تکرار می‌کند. بعد از پایان دعا و بوسه شاه قاجار بر قرآن، ۱۵ ثانیه بدون دیالوگ و موسیقی متن فیلم به پیش می‌رود و تنها چیزی که شنیده می‌شود، صدای تیک‌تاک عقربه‌های ساعت است که در حال نزدیک شدن به لحظه تحویل سال است. در همین بین، تصویری بسته از شخصیت‌های حاضر در محضر پادشاه می‌بینیم؛ کمال‌الملک (جمشید مشایخی)، اتابک اعظم (محمدعلی کشاورز)، کامران میرزا (پرویز پورحسینی)، حاجب‌الدوله خواجه باشی (سروش خلیلی) و افراد دیگری که در آن لحظه تاریخی در مقابل شاه ایستاده‌اند و در انتظار تحویل سال نو هستند. ناگهان



تویی شلیک می‌شود، نوازندگان دربار بر طبل می‌کوبند و نقاره می‌نوازند و یکی از درباریان سکوت را می‌شکند: «به مبارکی و میمنت و اقبال وجود مسعود شاهنشاه، در این ثانیه آفتاب به برج حمل تحویل گردید. سال ۱۳۱۳ هجری قمری.»

دلایل اهمیت سکانس تحویل سال
در فیلم کمال‌الملک

این سکانس چند عنصر ویژه دارد که سبب قوام و جذابیت آن شده است. جدا از مسئله به تصویر کشیدن جشن نوروز و سنت‌های لحظه تحویل سال، این سکانس یکی از سنگین‌ترین سکانس‌های تاریخ سینمای ایران از نظر حضور بازیگران توانمند در مقابل دوربین است. قطعاً حضور این تعداد از بازیگران پیشکسوت و موسسیدکرده در زمینه تئاتر و سینما، وزنی به این سکانس فیلم کمال‌الملک می‌دهد که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. عنصر دیگری که نباید از آن چشم‌پوشی

کرد هوش بالای علی حاتمی در استفاده از فضا، امکانات فنی و البته بازی گرفتن از هنرپیشه‌هایش بدون گفتن دیالوگ است. در این سکانس حرف ویژه‌ای زده نمی‌شود و خبری از آن دیالوگ‌های گیرا و فوق‌العاده حاتمی نیست؛ بلکه فقط فضاسازی انجام شده. لحظه سکون ۱۵ ثانیه‌ای در دل این سکانس، با شنیدن صدای ساعت و دیدن تصاویر سریع از شخصیت‌های حاضر در لوکیشن کاخ و لبخند رضایت ناصرالدین‌شاه با چشمان بسته و... یکی از لحظات ناب این سکانس ماندگار محسوب می‌شود.